



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

مسخ تاریخ در سفارشنامه

۱۰۹ عضو پارلمان

دردفاع از مظنونین به جنایات ضد بشریت

۲۰۱۴/۷/۱۷

مدتی قبل فاروبه متن هالندی یک سفارشنامه یکصد وده عضو ولسی جرگه (2005 الی 2010) و متن هالندی نامه که آقای یونس قانونی رئیس ولسی جرگه در آن دوران، شخصاً دردفاع از عده ای از سران رژیم دست نشانده روسها که در هالند مظنون به جنایات جنگی اند، دست یافت. این نامه ها را وکلای موصوف از نام پارلمان کشور ویا مکاتیب رسمی ولسی جرگه از خانه ملت ارسال کرده اند. مطابق به ماده پنجاهم قانون اساسی افغانستان، ملت ما حق دسترسی به اطلاعات در مورد کارکردها و اجراءات ارگانهای دولتی را دارند. بهمین جهت ما اسناد موصوف را بزبان دری ترجمه کرده ومنحیث معلومات به هموطنان بخصوص مؤرخین، بدست نشر میسپاریم. تحلیلی در مورد محتوی این نامه ها و اشاره به این واقعیت که یونس قانونی وکلای امضا کننده با این اعمال خویش قوانین داخلی و اصول بین المللی نافذه را پامال نموده اند، بشکل مقدمه تبصره کمیته حقوق بشر فاروبه خوانندگان این سطور تقدیم شده است. این متن چند هفته قبل آماده نشر بود. آن زمان مصادف به کمپاینهای انتخاباتی دور دوم بود. بخاطر جلوگیری از اینکه برخی افراد مغرض انتشار این نوشته را، با کمپاین انتخاباتی کاندیدها ارتباط بدهند، نشر این مطلب را تا اکنون به تعویق انداختیم. اکنون که کاندیدها به توافق رسیده اند و خطر تشنج و نزاع مرفوع تلقی میگردد، مانعی برای نشر این نوشته موجود نیست. اصولاً فاروبیث یک سازمان اجتماعی به نفع هیچیک از کاندیدها موضعگیری نکرده و نخواهد کرد.

برای وضاحت مطلب موضوع مورد بحث را در چند عنوان کوچک مورد مطالعه قرار میدهم: -

وابستگی مظنونین به قدرتمندان موجود در مقامات عمده دولتی در افغانستان:

طبق معلومات دقیق و مستندی که داریم، محمد یونس قانونی در دورانی که رئیس ولسی جرگه بود، دردفاع از افرادی که توسط دولت هالند مظنون به جنایات جنگ شناخته شده و بهمین سبب از حقوق پناهندگی محروم شده اند، جدوجهد بسیار بخرج داد. وی در هر فرصتی که بدست می آورد، ملاقات اضافی با مقامات دولتی هالند ترتیب نموده و میکوشید با سو استفاده از موقف با اعتبار دولتی خویش، باحرافی چنین جلوه دهد که گویا سیه رویان تاریخ سه دهه اخیر، کار بدی نکرده اند و این استخبارات پاکستان است که بر آنها چنین برجسبی میزند. غافل از اینکه منابع اثباتیه کافی برای جنایات سه و نیم دهه اخیر در گزارشات سازمانهای بین المللی موجود است و دولت هالند ازین آگاه است که مسؤلین کشتارهای سه و نیم دهه اخیر، منجمله یونس قانونی، حساس ترین پستهای دولتی را اشغال کرده اند و همین افراد در تصویب بیشرمانه "منشور" تقبیح شده "عفو" جانیان ضدبشریت سهم مهمی داشته اند. بتاريخ 14 مارچ 2007 یونس قانونی از برت کوندرز وزیر کمکهای انکشافی هالند خواست تا به مظنونین متعلق به رژیم تحت الحمايه روسها اجازه اقامت داده شود. این خواست یونس قانونی را وزیر مذکور با جواب دندان شکن رد کرد. متعاقباً یونس قانونی به پارلمان هالند امید بست. طی مکاتیب متعدد بطور مثال نامه های 7 اپریل و 5 اگست 2007 کوشید با ارائه تصویر مسخ شده از تاریخ دهه هشتاد، سران خاد و افسران عالیرتبه اردو و پولیس دوره حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" را موسیچه های بیگناه جلوه دهد. خوشبینی یونس قانونی نسبت به خادیسنها و رهبران پرچم

منشأ سیاسی و تاریخی دارد. این موضوع به آخرین سالهای حکومت درحال نزع نجیب الله برمیگردد. در آن ایام خلق و پرچمها سقوط قریب الوقوع دولت خود را پیش بینی میکردند و باتلاش خود را بیکی از تنظیم های جهادی پیوند میزدند. درین میان سران جناح طرفداربریک کارمل شورای نظارجمعیت اسلامی را انتخاب کردند. منشأ دوستی یونس قانونی با جنرالهای اردو و خاد رژیم دست نشانده روسها از همین جنرالهای طرفداربریک کارمل (مثلاً نبی عظیمی، آصف دلاور، رشیددوستم، نورالحق علمی و بابه جان) بودند که پلان صلح ملل متحد را ناکام ساختند و قدرت دولتی را به شورای نظارتسليم دادند. بدینترتیب دوستی میان رهبران جمعیت اسلامی و سران و جنرالان پرچمی تحکیم یافت. این اتحاد جدید در سالهای حاکمیت تنظیمها ادامه یافت. رهبران حکومت تنظیمی که از لحاظ کادرهای مسلکی دچار کمبودشدید بودند در بیشتر عملیاتیهای خانه ویران کن بالای اهداف ملکی بر همین "دوستان جدید" خود تکیه میکردند. طبق اظهارات شهود، برخی ازسیاسیون و نظامیان پرچمی در دوران حاکمیت طالبان نقش رابط بین ائتلاف شمال و روسها در قاجاق اسلحه به کولاب را بازی میکردند. در دوران حکومت انتقالی که قسیم فهیم وزیردفاع بود، جنرال های کارملی مثلاً آصف دلاور و جنرال بابه جان بر مبنای هم پیمانی با شورای نظار حساسترین پستهای نظامی را در اختیار داشتند. نورالحق علمی هم بقول خودش "بنا به دعوت دولت افغانستان" از هالند به کابل رفت و بکمک دوستان شورای نظاری اش، مسؤل کمیسیون دفاعی ولسی جرگه تعیین شد. اکنون هم آصف دلاور پست سفارت دارد و بابه جان از جانب دولت افغانستان در پست پر درآمد مسؤل امنیت مناطق همجوار میدان هوایی بگرام مقرر شده است. زمانیکه امرالله صالح رئیس عمومی امنیت ملی بود، این ارگان را یکبار دیگر به لانه خادیسها مبدل کرد. طبق گزارشات جامعه مدنی، حداقل هفده ریاست در امنیت ملی به خادیسها واگذار شده است. روی همین هم پیمانی است که پرچمیهای که در دوره (2005-2010) به پارلمان راه بافته بودند یک بلاک مشترک را با قانونی و شرکا در پارلمان تشکیل میدادند. در دو انتخابات اخیر ریاست جمهوری هم عده کثیری از کارمیلیهای سابق تحت رهبری نورالحق علمی در رکاب عبدالله عبدالله قرار داشته اند. بدینترتیب می بینیم که یونس قانونی و وکلای جمعیت اسلامی و متحدینش، بر مبنای همین اتحاد سیاسی که با پرچمیهای کارملی دارند، همراه با وکلای پرچمی از مظلونین به جنایات جنگی در هالند با تمام نیرو دفاع میکنند. بدین ترتیب می بینیم که جانفشانی قانونی و شرکا برای خادیسها و رهبران پرچم ناشی از اتحاد دراز مدت سیاسی بین آنها میباشد. اعضا پارلمان در کشوری چون افغانستان که مصروف دوباره به پا خاستن بعد از سی سال تخریب و بمبارد شدن است، وظایف بسیار مهم تقنینی و نظارتی در داخل کشور دارند. امضاً کنندگان این سفارشنامه به عوض پرداختن به وجایب و وظیفوی، ملی، اخلاقی و قانونی خویش، وقت و امکانات رسمی خود و اعتبار موقوف پارلمانی خود را در خدمت اقامت گرفتن برای کسانی قرار دادند که مظلون به دست داشتن در برپادی افغانستان شده اند. بدین ترتیب میتوان گفت که وکلای امضاً کننده و رئیس شان (آقای قانونی) با این عمل مرتکب جفای بزرگی در حق مؤکلین خود و مردم شریف افغانستان شده اند.

اصول مندرج در میثاق مربوط به حقوق پناهندگان در این زمینه:

حق پناهندگی از کنوانسیون 1951 ملل متحد برای پناهندگان و پروتوکولهای مربوطه آن سرچشمه گرفته است. بند (A) ماده اول این کنوانسیون پناهنده را تعریف میکند. بند (B) برخی از عبارات مندرج در بند (A) را توضیح میدهد. تعریف پناهنده درین کنوانسیون وسیع است و هر کسی که بنا به تعلق بیک نژاد، مذهب، تابعیت، عضویت یک گروپ مشخص اجتماعی یا عقیده سیاسی در کشور خود مورد تعقیب قرار گرفته و کشور خود را ترک کرده باشد، در برمیگیرد. استثنائات این تعریف در بند های (C)، (D)، (E) و (F) این ماده درج شده اند. موضوع مورد بحث ما در چوکات بند (F) قرار دارد بنا برین میپردازیم به بند (F) ماده اول کنوانسیون 1951 زنیو ملل متحد برای پناهندگان.

الف: بند (f) ماده اول کنوانسیون زنیو در مورد موقف پناهندگان:

درین بند چنین میخوانیم:

مواد پیش بینی شده درین کنوانسیون بالای شخصی تطبیق نمیگردد که در مورد وی دلایل جدی وجود داشته باشد که وی:

- مرتکب جرم علیه صلح، جنایت جنگی، یا جرم علیه بشریت مطابق تعریف این جرایم در کنوانسیون های بین المللی شده باشد،
- مرتکب جرم جدی غیرسیاسی (عادی) در قلمرو کشور دیگری، قبل از ورود به کشوری که از آن پناه خواسته است، شده باشد،
- مرتکب عمل مخالف اهداف و اصول مؤسسه ملل متحد شده باشد.

ب: آیا دلیلی وجود دارد که افراد محروم شده از حق پناهندگی در هالند را مظنون به جنایات جنگی و جنایات ضد بشریت دانست؟

این یک حقیقت انکارناپذیر تاریخیست که طی سه و نیم دهه اخیر، بخصوص در دوران ۱۴ ساله حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان جنایات جنگی و ضد بشری بیشماری در افغانستان اتفاق افتاده است. چون اکثریت مظنونین جنایات علیه بشریت (در اروپا) خادیسها و کادرهای برجسته حزبی-دولتی حزب "دموکراتیک خلق" اند، صحبت خود را بمنظور این نوشته به همین دوران ۱۴ ساله حاکمیت خلقیها و پرچمیها محدود میکنیم:

جنایات جنگی: می‌خواهیم در قدم اول از لحاظ حقوقی اصطلاح «جنایت جنگ» را تعریف کنیم و در رابطه به هر عمل شامل این تعریف میبینیم که آیا همچون عملی در دوران ۱۴ ساله حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" انجام یافته است یا خیر؟ در صورتیکه جواب مثبت باشد، رهبران حزبی و دولتی آن دوران و افسران ارگانه‌های امنیتی و لوار تکاب آن جنایت بالای شخص شان بطور محکمه پسند ثابت نباشد، حداقل برای تطبیق بند (f) ماده اول کنوانسیون ژنیو در مورد موقف پناهندگان "دلایل جدی" وجود دارد که بتوان گفت ایشان در ارتکاب این جرایم سهیم بوده اند. آنچه مظنونین انکار کرده نمیتوانند همکاری آگاهانه شان در تطبیق پالیسی جنایت و قرار گرفتن در چوکات ارگانه‌های متهم به جنایت علیه بشریت است که این خود از لحاظ رونیه قضائی حقوق جزای بین المللی نوعی از اشتراک در جرم تلقی میگردد. بیانید بحث خود را در چوکات تعریف حقوقی جنایات جنگ ادامه دهیم.

تعریف جرایم جنگی اصولاً منشأ خود را در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۲ اگست ۱۹۴۹ ژنیو دارند. هدف این کنوانسیونها پایان دادن به حملات بیرحمانه و از دید نظامی غیر ضروری بود که نظامیان در دوران جنگ بر علیه افراد ملکی یا افراد یکه به لشکر دشمن مربوط بوده ولی بنا به مرضی یا علل دیگر میدان جنگ را ترک کرده باشند، و بلاخره در مورد اهداف ملکی انجام میدادند پایان داده شود. کنوانسیون روم که بنام اساسنامه روم نیز یاد میشود و اصول بنیادین محکمه بین المللی جزا را تدوین کرده است، از جرایم مشخص بحیث جرایم جنگ نام گرفته است که عبارتند از:

- 1- قتل عمد.
- 2- شکنجه و برخورد غیر انسانی.
- 3- آگاهانه باعث وارد ساختن صدمات جسمی یا مرگ افراد شدن (مثلاً فرش ماینهای ضد پرسونل به پیمانۀ وسیع توسط روسها و اردوی مورد حمایت شان).
- 4- محروم ساختن آگاهانه افراد مورد حمایت کنوانسیون (افراد ملکی و افرادی که از میدان حرب خارج شده اند مثلاً مریضان و یا اسرای جنگی) از حق دسترسی به محاکمه عادلانه عادی (نه اختصاصی یا نظامی). ارگانه‌های امنیتی رژیم اولاً خود به لت و کوب و تحقیر و توهین افراد ملکی و اسرای دستگیر شده از قریه‌های تخریب شده میپرداختند. بعداً آن افراد را به چنگال دستگاه جهنمی خاد میدادند. در 18 ماه اول حاکمیت حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" حتی همان "خارنوالی" و "محکمه" اختصاصی نمایشی هم ایجاد نشده بود. قوماندان محبس و آمرسیاسی آن صلاحیت داشتند در هر لحظه که لازم دیدند، زندانی را غرض کشتار به پولیگون بفرستند. قرار معلوم صرف در مورد آنچه زندانیان پرچمی که مورد حمایت روسها قرار داشتند، قوماندان صلاحیت فرستادن به پولیگون رانداشت. بهمین علت حتی زندانیانی از ردیف کشتمند و عبدالقادر به پولیگون فرستاده نشدند. بعد از اشغال افغانستان، روسها "خارنوالی" و "محکمه" اختصاصی "انقلابی" را در چوکات خاد ایجاد کردند. این حرکت خصلت نمایشی داشت و هدف آن فریب افکار عامۀ جهان بود. ولی از لحاظ نتایج کار، هیچ تغییری در سیستم جنایکارانه شکنجه، کشتار، صدور احکام بشیوه صحرانی و مجازاتهای ضد بشری مخالفین ملکی و اسرا بوجود نیامد. بهمین جهت اشخاص توقیف شده بعد از ماه ها و بعضاً سالها شکنجه جسمی و روحی شبی از پهره دار صورت دعوی "خارنوال" اختصاصی رادریافت میکردند و به آنها گفته میشد "فردا به محکمه برده میشوی" این اسرا اکثرأ سواد خواندن صورت دعوی را نداشتند. و اگر این سواد را هم میداشتند و میتوانستند دفاعیه بنویسند، در حال شان کدام تغییری وار نمیشد. زیرا مجازات اعدام شان قبلاً به دستور مشاور روس تعیین شده بود. سالانه چهار یا پنج بار اعدام دسته جمعی توسط رژیم کارمل-نجیب اجرا میشد. بخشی از اعدامیان را همین اسرای دهات تخریب شده تشکیل میدادند. ایشان بخاطریکه در منطقه جنگ دستگیر شده بودند، متهم به "قیام مسلحانه علیه دولت انقلابی" میشدند. سایر اعدامیها زندانیان سیاسی بودند.

5- حمله با وسایط جنگی یا بمباران قریه ها یا تعمیرات بی دفاع که هدف نظامی نیستند. این جنایت جنگی در 14 سال حاکمیت حزب مور بحث بصورت سیستماتیک صورت میگرفت. آثار بمبارانهای هوایی آندوره بالای سی هزار قریه ما هنوز هم مشهود است. اگرچه اصطلاح "جمهوری دموکراتیک" حملات نظامی و بمباران را راه نمی انداخت چرا ۹ میلیون افغان و ادار به ترک کشور میشدند. تخریب هرات در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ و حمله بر کابل در سوم حوت و حین سرکوب کودتای تنی مثال های حمله بر شهرها اند.

6- ارتکاب تعرض بر کرامت انسانی و تمامیت جسمی افراد ملکی و اسرا. این دقیقاً مصروفیت روزانه خادیسها در مجموع و بخصوص آن خادیسهای که در خاد ملکی یا نظامی با گرفتاری، انتقال، تحقیق، شکنجه و محافظت اسرا سروکار داشتند، بود. موجودیت شیوه تبدیلی دورانی در خاد، دستهای زیادی را به این نوع جنایات آلوده ساخته بود.

به همین چند مثال از سلسله طولانی جرایم جنگی اکتفا میکنیم.

جنایات علیه بشریت: اصطلاح جنایات علیه بشریت وسیعتر است و در واقع جنایات جنگی فوق الذکر را نیز احتوا میکند. اساسنامه روم محکمه بین المللی جزا تازه ترین تعریف از جنایات علیه بشریت را ارائه میدهد. طبق این تعریف اعمال ذیل شامل تعریف جنایات علیه بشریت میشوند: قتل، زندانی ساختن، شکنجه کردن، تعقیب جزائی شهروندان بخاطر عضویت در یک گروه مشخص سیاسی، نژادی، ملیتی، قومی، فرهنگی، دینی و جنسیتی.

تاریخ و تاریخهای زنده یعنی افغانهای که در دوران حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" جوان بودند و حالا هنوز حیات دارند، بازماندگان شهدا و قربانیان شکنجه گواه آنند که صدها هزار نفر ملکی از شهرها و روستا ها دستگیر، شکنجه، زندانی و بخشی از آنها بشکل دسته جمعی در گروپهای دوصدالی سه صد نفری اعدام شدند. اینها افراد ملکی بودند که به اساس راپور خادیسها یا راپور حزبی اعضای حزب، سازمان جوانان و سازمان زنان وابسته به حزب "دموکراتیک خلق" متهم به داشتن عضویت دریا همکاری با یک گروه سیاسی مخالف با حزب حاکم گردیده و بر همین مبنا زندانی شده و مورد شکنجه فزیک و روحی قرار گرفتند. برخی از آنها در لیست اعدامهای دسته جمعی شامل میشدند. گزارشات متعدد بین المللی از معتبرترین سازمانهای حقوق بشر بین المللی و گزارشات خبری رسانه های همسایه و غربی متعلق به سالهای مذکور نیز گواه جنایات بیشمار علیه بشریت در سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ در افغانستان میباشد. گزارشات متعدد بین المللی از معتبرترین سازمانهای حقوق بشر بین المللی و گزارشات خبری رسانه های منطقه و غربی متعلق به سالهای مذکور نیز گواه جنایات بیشمار علیه بشریت در سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ میباشد. بطور مثال مرحوم داکتر فلیکس ارماکورا گزار شگر خاص حقوق بشر مؤسسه ملل متحد برای افغانستان در ارتباط به وضع حقوق بشر در سال ۱۹۸۵ مینویسد: " شکنجه در محبس پلچرخ، محابس ولایات، مراکز نظامی در کابل و ولایات، مراکز پولیس در پایتخت و ولایات، وزارت داخله، دفتر مرکزی خاد و هشت زندان خاد در کابل بصورت سیستماتیک صورت میگردد." این گزارشگر اضافه میکند: "خاد در کابل از دوصدخانه نیر بحیث زندان استفاده میکند".

سوال ما از آقای یونس قانونی و سایر وکلای سفارش کننده این است که اگر رهبران حزبی و دولتی و افسران ارگانهای امنیتی آن دوران مسؤل آن جنایات نیستند، پس چه کسی راباید مسؤل آن جنایات دانست؟

نمیدانیم آقای قانونی و سایر سفارش دهندگان بر مبنای کدام اسناد و شواهد از بیگناهی این اشخاص که در بین شان اعضای کمیته مرکزی، اعضای بیروی سیاسی، جنرالها، وزرا و... هم شامل اند، صحبت میکنند؟ در حالیکه بررسی واقعبینانه تاریخ این سالها بر مسؤلیت سیاسی و جرمی سران رژیم در جنایات ارتکاب یافته حکم میکند. فکرنمکنید که اصرار شما بر بیگناهی مظنونین جفای بزرگ در حق ده ها هزار زندانی و بیش از دومیلیون هموطنیکه توسط این رژیم به شهادت رسیده اند، باشد؟

نتیجه گیری منطقی از توضیحات فوق اینست که جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در ۱۴ سال حاکمیت "حزب دموکراتیک خلق" به مقیاس وسیع و بشکل سیستماتیک انجام یافته است. پالیسی سازان و اجرا کنندگان این جنایات اجنه آسمانی نبوده بلکه همین رهبران سیاسی و مسؤلین ارگانهای امنیتی اند. اینها خود بدستور نجیب الله اسناد ارگانهای سیاسی و امنیتی، یعنی اسنادی را که میتوانست حدود مسؤلیت هر فرد را تعیین کند، در واپسین روزهای حاکمیت رژیم جمع آوری نموده برای سوزاندن به کلوپ عسکری

فرستاده اند. سران رژیم این حالت پیچیده را آگاهانه ایجاد کرده اند و از ایجاد آن مسؤلیت جمعی دارند. برای خروج ازین حالت لازمست که این آقایان بعوض پناه بردن به انکار و کاربرد انواع حیل و نیرنگ، حقایق را بیان کنند. بخاطر جنایات انجام یافته از مردم افغانستان معذرت بخواهند و با گذشته خویش تصفیه حساب اصولی کنند.

برین عمل آقای قانونی و یکصدونه عضو پارلمان که بخاطر دوستان سیاسی خود تاریخ را مسخ کرده و بر مبنای همین تاریخ مسخ شده و جعلی از خانه ملت و از آدرس مردم افغانستان بیک کشور خارجی سفارشنامه فرستاده اند، جز خدمت از خانه ملت به برپادکنندگان ملت و بازی با آبروی خانه ملت نام دیگری نمیتوان گذاشت. این عمل نقض حدود صلاحیتهایست که اعضای ولسی جرگه قانوناً دارند. یکی از جعلکاری های رسوا در سفارشنامه اینست که یکصدونه نفر عضو امضاً کننده خود را "کمسیون روابط خارجی ولسی جرگه" معرفی میکنند، در حالیکه نخستین امضاً کننده جنرال علمی مشهور است که به برکت دوستی با قانونی و همراهان رئیس کمسیون امور دفاعی ولسی جرگه بود. اگر در افغانستان قانونیت وجود میداشت، باید امضاً کنندگان سفارشنامه مورد بازپرس عدلی قرار می گرفتند.

سوال اعتبار و عدم اعتبار منشور بدنام "عفو" برای مظنونین مقیم خارج

در سفارشنامه مورد بحث متن ذیل توسط یکصدونه عضو پارلمان امضاً گردیده و توسط آقای یونس قانونی شخصاً به پارلمان هالند تسلیم داده شده است، کوشش بعمل آمده است تا "قانون" بدنام عفو جنایات جنگی را که در افغانستان عمدتاً توسط مظنونین به جنایات جنگی طرح و تصویب شد، بالای اتباع افغانستان در هالند نیز تطبیق کنند. این حرکت از یکجانب پر رونی بیحد و حصرنویسندگان و امضا کنندگان سفارشنامه را نشان میدهد از جانب دیگر ثبوت کمسوادای حقوقی این به اصطلاح "قانونگذاران" افغانستان میباشد. بیانید به متن سفارشنامه مراجعه کنیم: " باید تذکر بدیم که پارلمان افغانستان در سال 2007 منشور صلح و آشتی ملی را تصویب نمود تا اختلافات و تصادمات بین اقلشمار مختلف اجتماعی را تقلیل داده و پایان بخشد. بطور اخص اختلافات و درگیریها بین فراکسیونهای سیاسی و گروه های مخالف را که طی دو نیم دهه بشیوه دیگری در مجادله علیه همدیگر درگیر بودند. بر اساس این منشور عفو عمومی اعلان شده و جوانب درگیر از تعقیب جزائی معاف شده اند و بالای مصونیت از تعقیب تأکید شده است. همه اشخاصیکه بخاطر تخطی از حقوق بشر تعقیب میگردند، بدون شک شامل این عفو میباشند. بنابراین کسانیکه در هالند درخواست پناهندگی کرده اند، و بالایشان ظن تخلف از حقوق بشر وجود دارد، از عفو عمومی اعلام شده درین منشور محروم شده نمیتوانند، و بناً درخواست پناهندگی شان بدون اسناد و شواهد قابل قبول رد شده نمیتواند. اینها نیز به ملت افغان تعلق داشته اتباع این کشور میباشند. دولت افغانستان به اساس ماده 39 قانون اساسی مکلفیت دارد از حقوق آنها در خارج حمایت کند. ما نمایندگان مردم افغانستان، این پناهجویان را مراجعین خویش دانسته و از پارلمان و حکومت هالند تمنا داریم که برپروسه پناهندگی این اشخاص تجدیدنظر کنند." در قدم اول بصورت مؤجز باید گفت که این منشور بذات خود با اصول معمول عفو مغایر است. عفو صرف بعد از تثبیت جرم در صورت رضایت قربانی و توسط فیصله قضائی اعطاً شده میتواند. کوشش برای تطبیق یک قانون و آنهم یک قانون متنازع فیه افغانستان بالای افرادی که در ساحة صلاحیت قضائی کشور هالند زندگی میکنند، با همه اصول حقوق بین الدول و معاهدات نافذ بین المللی در تضاد میباشد. در پهلوی تمامیت ارضی، یکی از پایه های استقلال هر کشور حق حاکمیت ملی یا بعبارة دیگر **National Sovereignty** است. حاکمیت ملی به دول مستقل حق میدهد که در قلمرو خود قوانین نافذ و پالیسی های خود را تطبیق کنند. کوشش برای تحمیل "منشور"، قانون یا پالیسی یک کشور بالای افرادی که در قلمرو یک کشور مستقل دیگر بحیث پناهجو زندگی میکنند، چیزی جز تخلف صریح از ابتدائی ترین اصول و رسوم نافذ بین المللی نمیشد. اعضای سفارش دهنده پارلمان وقت، با این کوشش ثابت ساختند که حتی از همین ابتدائی ترین اصول بیخبرند. در سفارشنامه ادعا شده است که پارلمان افغانستان بر مبنای ماده 39 حق دفاع از حقوق افغانهای مقیم خارج را دارد و گویا استفاده از مزایای "قانون عفو" حق مظنونین مورد بحث است و سفارش دهندگان ازین حق دفاع میکنند. یک نظر مختصر به ماده 39 قانون اساسی به وضاحت نشان میدهد که مطمع نظر ماده 39 قانون اساسی، افغانهای اند که بصورت قانونی و بمنظور غیر پناهندگی بخارج میروند و اگر در خارج از کشور به مشکلی مواجه شوند. بطور مثال اگر یک تاجر یا توریست افغان در قلمرو کشور دیگر متهم به نقض قانون آن کشور شوند، دولت افغانستان با تعیین وکیل مدافع و از مجاری دیپلماتیک از حقوق آنها دفاع خواهد کرد. تمیم دادن این ماده به تطبیق "قانون" متنازع فیه عفو در کشور خارجی بالای گروهی از پناهجویان در آن کشور بیشتر بیک شوخی شباهت دارد تا استدلال حقوقی. با کوشش زیاد قادر نشدیم بفهمیم چرا آقای قانونی و سایر سفارش دهندگان دوستان مظنون خود را به ساحة انفاذ "منشور" عفو دعوت نمیکنند که میخواهند ساحة تطبیق "منشور" عفو را به اروپا توسعه دهند؟

از جانب دیگر این کوشش در مورد یک‌کده افراد پناهجو افغان صورت می‌گیرد. یکی از مشخصات اساسی پناهنده را دکتور شفیقه حقانی در کتاب "حمایت بین المللی حقوق پناهندگان" چنین شرح می‌دهد: "برخلاف خارجیها که عموماً به اراده و تصمیم خود کشور متبوع خود را ترک کرده به کشور های دیگر بشکل قانونی سفر میکنند، پناهنده از عدم حمایت توسط مراجع ذیصلاح کشور خود و ترس از دولت و آزار توسط آنان مجبور به فرار گردیده در جستجوی حمایت در کشور دیگر خواهان پناه میشود." اگر در رابطه با پناهجویان افغان که در اروپا مظنون به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شناخته شده اند، نیز مشخصه فوق الذکر صدق میکند، یعنی از عدم حمایت توسط مراجع ذیصلاح کشور خود و ترس از دولت و آزار آنها از دولت هالند پناه خواسته اند، پس چرا یونس قانونی و شرکا خواهان تطبیق قانون دولت که پناهجو از آن فرار نموده بالای این مظنونین اند؟ مظنونین مورد بحث حالا از دولت دیگری پناه خواسته اند! در صورتیکه مشخصه فوق الذکر بالای مظنونین مذکور تطبیق نمیشود، پس چرا آنها غربت و مشکل فرسایشی را پذیرفته اند؟ چرا بکشور خود، جاییکه جرایم شان عفو شده است و از پشتیبانی وسیع پارلمانی هم برخوردار بودند، برنگشتند؟ اینکه دولت کشوری که پناهنده بخاطر عدم حمایت از آن فرار نموده به دولت میزبان سفارش می‌دهد که افراد فرار کرده از نزد من را بحیث پناهنده بپذیرد ذات خود منافی عقل سلیم و ناشی از کم سوادی سفارش دهندگان میباشد.

آیا سفارشنامه یک‌صدونه وکیل و سفارشنامه های فردی یونس قانونی مؤثر واقع شد؟

خوشبختانه نه. این نامه ها با تمام مصارفی که برای تهیه و تسلیمدهی آنها به پارلمان هالند برای خزانه ضعیف ملی ما ببار آورد، فاقد نتیجه بود. بطور مثال محاکم هالند حاضر نشدند به نامه های که قبل از نامه دسته جمعی توسط شخص یونس قانونی به حیث رئیس پارلمان امضاً و در دسترس وکلای مدافع مظنونین قرارداد داشت، ارزشی قایل شوند. درین نامه ها آقای یونس قانونی عنوانی رئیس پارلمان هالند از پالیسی پناهنده پذیری دولت هالند انتقاد کرده ادعا نموده است که معلومات مندرجه در گزارش رسمی 29 فبروری سال 2000 دولت هالند در مورد "ارگانهای استخباراتی رژیم کمونیستی" مبتنی بر معلومات نادرست کشورهای همسایه و طالبان میباشد. عکس العمل محاکم هالند در برابر مکاتیب یونس قانونی بسیار کوتاه و قاطع بوده است. در یکی از این فیصله ها، یعنی فیصله مؤرخ 24 فبروری سال 2010 محکمه آرnhem که شورای دولت (بالاترین مرجع تصمیمگیری در مورد قانونیت فیصله های امور پناهجویان) نیز آنرا بتاريخ 5 جولای 2010 تائید کرده است، از اسناد ذیل که از جانب ارگانهای دولتی افغانستان برای بیگناه جلوه دادن فردیکه در هالند مظنون به جنایات جنگی شده است، ارسال و از طریق قونسلگری افغانستان درامستردام به مقامات هالندی ارسال شده بود، قرار آتی تذکار داده شده است:

1- "یک تصدیق عدم سوابق جرمی مؤرخ 24 اکتوبر 2005 اعطا شده به فرد ذیربط از جانب قونسلگری افغانستان در امستردام.

2- سند شماره 873 مؤرخ 12 اکتوبر 2005 که ضمیمه مکتوب از طرف وزارت خارجه افغانستان ارسال گردیده است.

3- مکتوب شماره 89 مؤرخ 16-10-2006 قونسلگری افغانستان در امستردام. این مکتوب حاکی از آنست که ریاست کشف و استخبارات وزارت دفاع ملی در مورد فرد مورد نظر (مظنون) از ریاست عمومی امنیت ملی، وزارت داخله و کمسیون مستقل حقوق بشر معلومات جمع آوری کرده است. این مراجع ابراز داشته اند که فرد متقاضی (پناهندگی- مترجم) در جریان وظیفه اش الی سال ۱۳۷۱ حقوق بشر را پامال ننموده و ازین ناحیه مسؤلیتی ندارد.

4- (از شماره ۴ الی ۷ از کاپی برخی نشرات هالندی نام برده شده است).

8- نامه مؤرخ ۵ اگست ۲۰۰۷ محمد یونس قانونی رئیس ولسی جرگه شورای ملی افغانستان عنوانی خانم فریبیت رئیس مجلس نمایندگان هالند.

9- نامه های متعدد از مراکز مختلف درمان جسمی و روانی.

در رابطه با سفارشنامه مؤرخ ۵ اگست ۲۰۰۷ آقای یونس قانونی محکمه آرnhem چنین نوشته است: "رئیس پارلمان افغانستان گزارش رسمی وزارت خارجه هالند در مورد ارگانهای امنیتی رژیم کمونیستی را مورد تردید و انتقاد قرار داده است. چون این انتقادات مشخص ساخته نشده اند و معلوم نیست انتقادات و ادعا های رئیس پارلمان افغانستان بر کدام منابع بنا یافته اند، محکمه بدین نظر است که این نامه ها، بصورت خودبخودی نمیتواند تحت بررسی رسمی محکمه قرار گرفته تأثیری بر محتوی فیصله محکمه داشته باشند." متن فیصله مذکور و سایر فیصله های قضائی، بدون ذکر نام و سایر مشخصات افراد ذیربط، در مجله رونیه قضائی هالند و سایر کشورهای اروپائی از طریق انترنت قابل دسترسی میباشد. محاکم هالند به هیچیک از این نوع تصدیقنامه های بیگناهی و سفارشنامه های مملو از دروغبافی

وگمراه کننده مقامات و مراجع دولتی افغانستان وقعی نگذاشتند. صرف اشخاصیکه بیهودگی ادعای بیگناهی را درک نموده با پیشکش نمودن اسنادقابل ترحم بودن و...توانستندحق اقامت عادی(غیرپناهندگی) را بدست آورند.

کوششهای بی ثمر فوق الذکرا اعتباریونس قانونی ویکصد ونه وکیل پارلمان را در انظارمقامات هالندی وافغانهای مقیم اروپا بشدت صدمه زدند. وکلا با امضاً در زیر این سفارشنامه و یونس قانونی با امضای مکتوب همراه اش، پذیرای یک مسؤلیت انکار ناپذیر تاریخی شدند. اگرچه بعد دیگر قضیه نظر اندازیم، وکلای سفارشدهنده برای سایر پناهجویان افغان تپ وتلاشی نکردند. از پناهجویان افغان در پاکستان و ایران که بگذریم آیا ده ها هزار پناهجوکه در برزخ اروپا و آسیا در یونان و ترکیه در بن بست گیر مانده وشبههای زمستان را در کنار سرک میگذرانند وروزها بخاطریک لقمه نان در قطارگدایان در مقابل کلیساها ایستاده میشدند "مراجعین" شما "نمایندگان" ملت نبودند که شمه ای ازین جانفشانیها را برای آنها میکردید؟ پناهجویان یونان و ایران هم زن وفرزند داشتند. در کشورهایی چون ایران و یونان هیچنوع تا مینات اجتماعی برای زنان واطفال پناهجویان موجود نیست. در حالیکه طبق معلومات دقیق که ما از پناهندگان افغان درکشور هالند بدست آوردیم، اکثر خانواده های "کتیگوری" مورد دفاع یونس قانونی وهمراهانش اجازه اقامت داشته وبقیه هم از سرپناه وحق رفتن به مکتب مستفید میباشند. از جانب دیگر عین شرایط زندانی شدن و اخراج را دولت هالند بالای پناهندگان عادی افغان در هالند که هیچ رابطه با " ارگانهای امنیتی رژیم کمونیستی" نداشتند، نیز بعد از رد قطعی درخواست پناهندگی شان تطبیق میکرد. همه پناهجویان بعد از قطعی شدن فیصله رد درخواست پناهندگی شان غیرقانونی پنداشته شده واز آنها تقاضا میگردید تا هالند را ترک کنند و در غیر آن اقامت شان غیر قانونی پنداشته شده و ریسک زندانی شدن موجود بود. این پناهجویان عادی بودند که تا چندی پیش با زن وفرزند خویش زندانی میشدند. اما هیچیک از یکصدونه وکیل امضاً کننده در سفارشنامه ذیل اشکی برای آنان نریختاند. قرار معلوم صرف آنیکه به اساس "گزارش رسمی فبروری سال 2000 در مورد ارگانهای امنیتی رژیم کمونیستی" از حق پناهندگی محروم شده اند، مستحق همدردی و"وظیفه شناسی"! وکلای امضاً کننده بوده اند. آیا این حالت عمق سقوط اخلاق وظیفوی یونس قانونی وسایروکلای امضاً کننده را نشان نمیدهد؟

کوشیدیم یک کاپی از نسخه دری این سفارشنامه را بدست آورده به نشر بسپاریم. با تأسف موفق نشدیم. آنچه بدست آوردیم ترجمه این سفارشنامه بزبان هالندی است. چون ترجمه توسط مرکز رسمی ترجمانها (TVCN) صورت گرفته است، در مطابقت آن با اصل شک وتردید نیست. برای اطلاع هموطنان از محتوی اصل سفارشنامه، نا گزیریم آنرا از زبان هالندی دوباره به دری ترجمه کنیم. البته متن هالندی را میتوانیم در صورت ضرورت در وبسایت فارو بگذاریم. اوراق هالندی شامل 9 صفحه است که مندرجات آن عبارتند از: نامه مؤرخ 1387/11/29 کمیته روابط بین المللی پارلمان. درین نامه سفارشنامه ولیست وکلای امضاً کننده رسماً به یونس قانونی فرستاده است. بتاریخ 1387/12/03 یونس قانونی نامه را غرض ارسال رسمی به دولت هالند، به وزارت خارجه افغانستان فرستاده است. در نامه مؤرخ 1387/12/03 قانونی از خانم فریبت رئیس پارلمان هالند میخواهد تا سفریک تیم حقیقت یابی وکلای مدافع هالندی را به ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان از طریق حکومت هالند تسهیل کند واطمینان میدهد که ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان (تحت رهبری آقای امراالله صالح) آماده هر نوع همکاری است. قبل از پرداختن به ترجمه نامه ولیست وکلای امضاً کننده آن باید تذکر بدیم که حدس قریب به یقین ما اینست که بازیگر عقب پرده این جریانات جنرال نورالحق علومی متحد سیاسی دیرین شورای نظاروهم پیمان صمیمی آقایان قانونی، عبدالله عبدالله و آقای صالح بوده است. در لیست وکلای امضاً کننده اولین نام از همین شخص است.

ترجمه نامه یکصد وده عضو پارلمان در دفاع از مطونین به جنایات جنگ که از طرف یونس قانونی به پارلمان هالند فرستاده شده است

(نشان دولتی افغانستان)

شماره: 483/363

تاریخ: 1387/11/25 (2 فبروری 2009)

کابل، 29 دلو 1387،

به پارلمان دولت شاهی هالند!

قابل توجه جلالتمآب خاتم Gerdi A. Verbeet رئیس پارلمان دولت شاهی هالند!

محترم رؤسای فراکسیونهای احزاب سیاسی در پارلمان هالند!

نمایندگان محترم مردم دموکرات و متمدن هالند، همکاران محترم،

نخست از همه سلامهای دوستانه و احترامات فایقه خویش را از افغانستان جنگزده بشما تقدیم نموده برایتان صحت، رفاه و سعادت آرزو میکنیم.

محترم رئیس،

افغانستان کشوریست که بخاطر موقعیت جیوپولتیک خویش... (دو پراگراف اول وقف حرفهای عمومی شده است. از ترجمه آن منصرف شدیم).

جناب عالیقدر!

هدف از نوشتن این نامه دوستانه تحلیل اوضاع افغانستان نیست چون شما خود به اساس علاقه که به روابط بشردوستانه با کشور ما دارید، از بحران عمیق در آن مطلع میباشید.

ما میخواهیم توجه شما همکاران عزیز را به یک مشکل فرسایشی جلب کنیم که از سالهای طولانی بدینسوزندگی را برای یکده پناهجویان افغان غیر قابل تحمل ساخته است.

با تأسف باید بگوئیم که اداره هجرت و تابعیت هالند (IND) از سالها بدینسوی یکده پناهجویان افغان را، تحت تأثیر فضای جنگ سرد، تابع یک طرز دید سیاسی و تبعیضی ساخته و آنها را 5 تا ده سال یا طولانی تر، با دلایل غیرقانونی در یک موقعیت حقوقی نامعلوم قرارداد داده و تمام حقوق اقتصادی و اجتماعی شان را سلب نموده است. برگرداندن اجباری این کتیگوری از پناهندگان افغان زندگی و امنیت شان را مواجه به خطر میسازد. اما حکومت هالند، با سوء استفاده و تعبیر بدون مرز ماده 1F کنوانسیون ژنیو 1951 که در یک شرایط معین و برای یک هدف معین - تعقیب جنایتکاران جنگ جهانی دوم- فرمولبندی شده است، کتیگوری مذکور را با یک اتهام عمومی و مبهم "اجرای وظیفه در سازمانهای استخباراتی جمهوری دموکراتیک افغانستان یا داشتن همکاری با آن" وبدون در نظر گرفتن مسئولیت شخصی آنها، ازدادن پناه در چوکات کنوانسیون ژنیو محروم ساخته است.

این جواب رد شامل همسر نیز میشود. بدینترتیب زنان پناهجو برخلاف اصل مساوات حقوق زن و مرد مندرج در کنوانسیون بین المللی ملل متحد در مورد حقوق بشر 1966 در داخل خانواده و جامعه هالند هم بخاطر "ازدواج غلط" محکوم به موقعیت غیر مساوی میگرددند. موقعیت حقوقی اطفال به عین اندازه خراب است. از وضع چنین برمی آید که گویا اطفال بخاطر جرایم فرضی والدین شان مجازات میشوند و آنها از حقوق بشر چون حق تعلیم، تأمینات اجتماعی، صحت عامه، حق کار و اعاشه و رابطه مندرج کنوانسیون 1989 محروم اند.

اصل باهم بودن خانواده که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر 1950 تسجیل گردیده، در رابطه با پناهندگان افغان مذکور تطبیق نمیگردد. برعکس آن عمل شده و اعضای خانواده ها از هم جدا ساخته میشوند. حالات زیادی وجود دارند که زنان و اطفال بحیث پناهنده قبول شده اند اما شوهر و اداوار به ترک هالند میگردد. یا برای یک مدت نامعلوم بدون فیصله محکمه زندانی گردیده و رابطه اش با همسر و فرزندانش قطع میگردد. آنها بعداً بشکل اجباری وبدون اسناد لازمه واپس فرستاده میشوند.

درین اواخر شکایات زیاد و قصه های در مورد حالت وخیم برخی پناهجویان افغان به اثر دستگیریهای غیرقانونی، فشار شدید روانی، قطع بیمه صحتی، تأمینات اجتماعی و سر پناه به پارلمان افغانستان فرستاده شده اند که انگیزه نوشتن این سفارشنامه به پارلمان هالند میباشد. قرار معلوم، کمیته عدلی پارلمان هالند، به استثنای برخی احزاب اپوزیسیون، پیشنهاد یکجانبه وزارت عدلیه هالند را مبنی بر رد و اخراج این کتیگوری پذیرفته است. بهمین جهت ما به شما همکاران عزیز مراجعه کرده ایم تا از شما تقاضا کنیم تا این موضوع را مورد توجه جدی قرار داده و با در نظر داشت وضعیت افغانستان ازیکسو و توجه به اینکه با گذشت سالها امکانات بدست آوردن مدارک اثباتیه و اسنادتخلفات احتمالی حقوق بشر کم شده است و بنابراین ادعا ها در بین غبار حدسیات باقیمانده و به واقعیت زنده تبدیل نشده اند، مورد تجدیدنظر قرار داده و بار دیگر زنان و اطفال را که سرنوشت شان به این موضوع گره خورده با سخاوت

عدلی و در داخل چوکات کنوانسیون کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان و سایر قراردادهای بین المللی مورد بررسی قرار دهید.
جلالتما!!

باید تذکر بدهیم که پارلمان افغانستان در سال 2007 منشور صلح و آشتی ملی را تصویب نمود تا اختلافات و تصادمات بین اقشار مختلف اجتماعی را تقلیل داده و پایان بخشد. بطور اخص اختلافات و درگیریها بین فراکسیونهای سیاسی و گروه های مخالف را که طی دو نیم دهه بشیوه دیگری درمجادله علیه همدیگر درگیر بودند. براساس این منشور عفو عمومی اعلان شده و جوانب درگیر از تعقیب جزائی معاف شده اند و بالای مصونیت از تعقیب تأکید شده است. همه اشخاصیکه بخاطر تخطی از حقوق بشر تعقیب میگردند، بدون شک شامل این عفو میباشند. بنابراین کسانیکه در هالند درخواست پناهندگی کرده اند، و بالایشان ظن تخلف از حقوق بشر وجود دارد، از عفو عمومی اعلام شده درین منشور محروم شده نمیتوانند. بدین ترتیب درخواست پناهندگی این اشخاص نیز بدون اسناد و شواهد قابل قبول رد شده نمیتواند. اینها نیز به ملت افغان تعلق داشته اتباع این کشور میباشند. دولت افغانستان به اساس ماده 39 قانون اساسی مکلفیت دارد از حقوق آنها در خارج حمایه کند. ما نمایندگان مردم افغانستان، این پناهجویان را مراجعین خویش دانسته و از پارلمان و حکومت هالند تمنا داریم که برپروسه پناهندگی این اشخاص تجدیدنظر کنند. در صورتیکه به حقیقتیابی در داخل کشور نیاز باشد، پارلمان افغانستان، همانطوریکه در نامه های متعدد قبلی تذکر گرفته، برای همکاری آماده میباشد. ما همچنان آماده هستیم که تحقیقات درین قضیه را از طریق ارگانهای کشف و تعقیب ممکن سازیم. اما ما نمیتوانیم با اتهامات و شکاکیتهای IND (اداره هجرت و تابعیت) هالند که بر معلومات دروغین ISI پاکستان استوار است و در آن اسناد و شواهد قناعت دهنده موجود نمیباشد، موافق باشیم.
جلالتما!،

خواهش ما عده از نمایندگان مردم افغانستان از شما اینست که وضع مشکل جسمی و روحی پناهجویان مخصوصاً زنان و کودکان شان را که از سالها بدین سو در کمپ های هالند بسر میبرند و علاوه آینده شان تهدید میگردد، مدنظر داشته باشید و توجه شما را به فشار ظالمانه مراجع امنیتی هالند جلب میکنیم که با بیرحمی فوق العاده این پناهجویان افغان را زیر شکنجه روحی و تهدید بشکل غیر قانونی روانه زندان نموده و بلاخره بصورت اجباری به کشور برمیگردانند. ما از پارلمان هالند تقاضا میکنیم که مراجع امنیتی هالند را متوجه سازند تا در قدم اول به این فشار خاتمه داده و به کنوانسیون پناهندگان 1951 ژنیو که به این پناهجویان حق پناهندگی میدهد احترام گذاشته و بعبوض داوری سیاسی، از طریق حقوقی راه حلی پیدا کنید که به آلام فرساینده این پناهجویان افغان در هالند پایان داده شود. ما امیدواریم که خواهش ما مورد توجه جلالتماب شما قرار گیرد و بخشی از ملت افغان از پریشانی، ترس و تهدید نجات یابد.
باجترین تمنیات و احترامات،

یکعده اعضای پارلمان افغانستان

(نوت: نامهای 109 وکیل مندرج در جدول امضا کنندگان عیناً از جدول هالندی در جدول ذیل با الفبای زبان دری انتقال یافته اند. کاپی هالندی این جدول نزد فارو موجود است. خودیونس قانونی درین لیست شامل نیست اما او در نامه که سفارشنامه را ضمیمه آن به رئیس پارلمان هالند فرستاده و ترجمه آن متعاقب جدول نامهای امضا کنندگان تقدیم میگردد، با الفاظ جدیدتر تأیید و تأکید کرده است.)

اسم	تخلص	ولایت	امضاً
نورالحق	علمی	کندهار	امضاً
خدای نظر	سرمچار	نیمروز	امضاً

امضاً	کندهار	هاشمی	شکيبا
امضاً	کابل	بارکزی	شکریه
امضاً	نماینده کوچیها	کوچی	ملا تره خیل
امضاً	کندهار	لالی	حاجی آمر
امضاً	ارزگان	وظنوال	محمد هاشم
امضاً	هرات	آغا	سید محمد شفیق
امضاً	کابل	-	داکتر نعمت الله
امضاً	پروان	نوری	شفیقه
امضاً	دایکندي	اکبری	محمدنور
امضاً	بلخ	غضنفر	محمد یوسف
امضاً	پروان	کارگر	جا نگل
امضاً	کابل	جوینده	میر احمد
امضاً	کابل	رنجیر	داکتر عبدالکبیر
امضاً	هرات	سلجوقی	محمد صالح
امضاً	کندهار	اچکزی	احمدشاه

امضاً	كابل	خاخی	بیدار
امضاً	ننگرهار	گردیوال	پیربخش
امضاً	فاریاب	اوغلی	سردار محمد رحمان
امضاً	بدخشان	کاشانی	سید محبت شاه
امضاً	خوست	گلابزوی	سید محمد
امضاً	بلخ	(خوانا نیست)	شاه مردانگل
امضاً	هلمند	غفاری	شیخ نعمت الله
امضاً	كابل	نویان	عباس
امضاً	کنڈز	مرستیال	محمد معین
امضاً	فراه	فراهی	محمد نعیم
امضاً	غزنی	امیری	نیاز محمد
امضاً	بغلان	هلال	هلال الدین
امضاً	بادغیس	رفعت	ازیتا
امضاً	نمایدۀ کوچیها	مومند	پروین
امضاً	پنجشیر	سلیم	راحلہ

امضاً	نورستان	نورستانی	حوا علم
امضاً	غزنی	عالمشاهی	راجله
امضاً	هرات	جامی	رحیمه
امضاً	هرات	فتاحی	سادات
امضاً	نیمروز	مهرزاد	صالحه
امضاً	کابل	صاقب	صبرینه
امضاً	پکتیکا	سلیمانخیل	غرغشته کتوازی
امضاً	هرات	گیلانی	فوزیه
امضاً	بدخشان	کوفی	فوزیه
امضاً	کابل	یزدانپرست	قدریه
امضاً	بدخشان	دهقان	کبرا
امضاً	بلخ	صافی	گلالی نور
امضاً	ارزگان	مجدد	عبدالخالق
امضاً	جوزجان	درزابی	عبدالستار
امضاً	هرات	قاضی زاده	عبدالسلام

امضاً	فراه	هلالی	عبداللہ
امضاً	هرات	نادم	عزیز احمد
امضاً	غزنی	قاسمی	علی اکبر
امضاً	کندهار	اچکزی	عبداللہ
امضاً	ننگرهار	مومند	فریدون
امضاً	کنڈز	ایماق	فضل کریم
امضاً	جوزجان	نکی	فضل اللہ
امضاً	بامیان	اکبری	استاد محمد
امضاً	کابل	قاسمی	محمد ابراهیم
امضاً	پروان	زاهد	محمد الماس
امضاً	بغلان	-	انجنیر محمد عاصم
امضاً	تخار	ساعی	محمد عالم
امضاً	دایکندی	ستغ	محمد علی
امضاً	کاپیسا	صافی	مہراقبال
امضاً	کاپیسا	صافی	عبدالهادی

امضاً	لوگر	هاشمی	شکیلا
امضاً	نورستان	حاجی	دادمحمد
امضاً	بغلان	اوحدی	عبدالهادی
امضاً	فاریاب	(خوانا نیست)	محمد
امضاً	نیمرز	مهرزاد	صالحه
امضاً	کابل	شریف	نجیبه
امضاً	هلمند	نیازی	نسیمه
امضاً	غزنی	مولائی	طاهره
امضاً	ننگرهار	(خوانا نیست)	داکتر فاروق
امضاً	غزنی	حسینی	خیال محمد
امضاً	تخار	(خوانا نیست)	عبدالجبار
امضاً	بلخ	-	حاجی محمد عبده
امضاً	بلخ	رهگذر	محمد اسحاق
امضاً	غزنی	-	انجنیر محمدخان
امضاً	-	-	احمدخان

امضاً	غور	ملکزده	محمد ابراهيم
امضاً	بدخشان	هوتكى	سلطن محمد
امضاً	سرپل	گلشنى	حميرا
امضاً	تخار	موفق	بلقيس
امضاً	هرات	دهقان نژاد	نجلا
امضاً	سرپل	ايماق	حاجى خير محمد
امضاً	كابل	-	داكتر نعمت الله
امضاً	-	اورياخيل	انورخان
امضاً	كابل	عرفانى	عرفان الله
امضاً	بلخ	-	غضنفر
امضاً	جوزجان	جوزجانى	محمد
امضاً	سمنگان	سلطانى	سطا نعلى
امضاً	(خوانا نيست)	جلاله	شجاع الملك
امضاً	غزنى	گيلانى	سيد محمود
امضاً	ننگرهار	-	حاجى عزيز الرحمن

امضاً	دایکندی	نیلی	نصرالله سفیرزده
امضاً	کاپیسا	-	حاجی احمدفرید
امضاً	کابل	ناصریار	فوزیه
امضاً	هرات	بهزاد	احمد
امضاً	کابل	صفدری	محمد اسماعیل
امضاً	ننگرهار	فولاد	سیدهاشم
امضاً	زابل	سلیمانخیل	تورپیگی
امضاً	زبل	راکتی	عبدالسلام
امضاً	دایکندی	محسنی	نسرین
امضاً	ننگرهار	-	حضرت علی
امضاً	کنندز	قانع	حاجی محمد امین
امضاً	کنندز	پیکان	شکریه
امضاً	پنجشیر	ریگسانی	صالح محمد
امضاً	غزنی	زری	سلطان
امضاً	فاریاب	شاداب	آصفه

امضاً	وردک	مبارز	صدیقه
امضاً	تخار	دانش	حبیبه
-	-	-	-

ترجمه نامه یونس قانونی که سفارشنامه ضمیمه آن

به رئیسۀ پارلمان هالند فرستاده شده است!

(نشان دولتی افغانستان)

شماره: (درج نشده-مترجم)

تاریخ: ۱۷ فبروری ۲۰۰۹

به پارلمان دولت شاهی هالند!

قابل توجه جلالتمآب خانم **Gerdi A. Verbeet** رئیس پارلمان دولت شاهی هالند!

محترمه خانم فربیت رئیسۀ پارلمان هالند!

محترم رؤسای فراکسیونهای احزاب سیاسی درپارلمان هالند!

وکلاهی محترم مردم دموکرات و متمدن هالند، همکاران گرامی!

به اساس گزارشات که به ما مواصلت کرده است، وضع یکعده ازپناهجویان افغان دردولت شاهی هالند قابل تشویش میباشد. آنها چند باربه پارلمان افغانستان شکایت کرده وادعا کره اند که خواستارشناسائی حقوقی اند که به اساس کنوانسیون ژنیو دارند. به اساس گزارشات غلط کشورهای همسایه (گزارش رسمی ۲۹ فبروری سال ۲۰۰۰ متکی به منابع پاکستانی) درمورد این پناهجویان موضع سیاسی گرفته شده است.

واضحست که اداره استخباراتی آی.اس.آی و جنیش طالبان تا اکنون هدفی بجزازدسیسه، ترور و قتل افغانها ودوستان خارجی ما ندارند. هالندیهای که درازگان وظیفه اجرا میکنند نیزبهمین ترتیب قربانی اعمال وحشیانه طالبان اند. بنابراین:

- 1- اگرچه پارلمان جمهوری اسلامی افغانستان قبلاً طی نامه های (۵ اگست ۲۰۰۷ و ۲۲ می ۲۰۰۸) پارلمان هالند را مطلع ساخته وخواستار همکاری و تحقیقات شده بود، بدینوسیله بازهم پیشنهاد یکعده وکلای پارلمان افغانستان را به پارلمان هالند ارسال میدارم.
- 2- به اساس تقاضای یکعده وکلای مدافع پناهجویان هالند که طی مکتوبی خواستار آن شده اند که غرض حقیقتیابی بامقامات استخباراتی افغانستان درکابل ملاقات کنند، از دولت شاهی هالند خواهش میشود که سفروکلای موصوف را به افغانستان ممکن سازند. علاوهً مقامات افغانستان (وزارت امور خارجه، وزارت امور مهاجرین و ریاست عمومی امنیت ملی) با تفاهم هر دو جانب، برای آنها زمینه دیدار از مراجع ذیربط را در داخل افغانستان ممکن میسازد.

به امید ممکن شدن تحقیق قناعت بخش در مورد گزارشات در داخل افغانستان و کمک شما در شناسایی حقوق افغانهای مذکور مقیم هالند تا فامیلهای شان بتوانند زندگی آرام خود را از سرگیرند.

با احترام

(امضاً)

محمد یونس قانونی، رئیس پارلمان

نتیجه گیری:

مردم شریف افغانستان بخصوص نسلی که اکنون سالمند یا میانه سال اند مظالم دورن ۱۴ ساله حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" را بخوبی بخاطر دارند. جوانان نیز با دیدن فامیلهای شهدا، معلولین امیلیونها مهاجر افغان در پاکستان و ایران در پی علل این حالت برآمده و از تاریخ خونین این حزب آگاهی مییابند. کوشش مقامات دولت کنونی برای مسخ تاریخ و فرشته جلوه دادن قدرتمندان و جلادان دیروز، مفهومی جز نمک پاشیدن بر زخمهای مرحم نیافته قربانیان جنایات این دوران نداشته و محکوم به ناکامی توأم با رسوائی است. همانطوریکه "منشور عفو" روی سیاهکاران گوناگون را سفید ساخته نتوانست، کوشش های مشابه به آن در آینده نیز محکوم به شکست خواهد بود. اعضای ولسی جرگه باید بدانند که با کتمان حقیقت و قرار گرفتن در پهلوی قصابهای دیروزیا مافیای امروز بارسنگینی از مسؤلیت تاریخی را بدوش خواهند کشید.

نوت: ترجمه هالندی سفارشنامه یکصدودوه وکیل ولسی جرگه و مکاتیب ذیربط آن در نزد فارو موجود اند.

"کمیته حقوق بشر فارو"